

طیرانی

مهدی بازرگان (متولد 1286ش) پس از گذراندن دوران متوسطه، در سال 1307ش برای ادامه تحصیل از سوی دولت به فرانسه رفت و در سال 1313ش با اخذ مدرک مهندسی در رشته ترمودینامیک و دکتری نساجی به ایران بازگشت و در دانشکده فنی دانشگاه تهران به خدمت مشغول شد و تا شهریور 1320 و کنار رفتن رضا شاه از قدرت به تدریس در دانشگاه و نیز فعالیت در یک شرکت مهندسی که خود در زمره موسساتش بود (شرکت اما) اشتغال داشت و در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ورودی نداشت.

با سقوط رضاشاه از قدرت، فضای سیاه دیکتاتوری به پایان رسید و احزاب، گروه‌های مختلف مذهبی، سیاسی، فرهنگی و... شروع به فعالیت کردند. اما دانشیار جوان دانشگاه به‌رغم جو زمانه در این دوران جدید روی به عرصه سیاست نیاورد. خود وی درباره دلایل عدم ورود به صحنه سیاست می‌گوید: «علت خودداری از شرکت در فعالیت‌های حزبی در آن ایام این بود که درد اصلی مملکت را در نبودن تشکیلات حزبی و مرام‌های سیاسی نمی‌دانستم و بیش از هر چیز به معتقدات فکری و تربیت معنوی و تدارک شخصیت جوانان اهمیت می‌دادم.» (60 سال خدمت و مقاومت، خاطرات مهندس مهدی بازرگان...: 267)

در این دوران عمده اقدامات بازرگان به فعالیت‌های فکری و تبلیغی و تربیت جوانان و به‌ویژه دانشجویان گذشت. او که در تشکیل کانون مهندسين نقش داشت، پس از آنکه حزب ایران از دل آن بیرون آمد، به‌رغم حفظ رابطه نزدیک با موسسين آن به حزب ایران نپیوست و در مقابل به همکاری با آیت‌الله طالقانی و «کانون اسلام» پرداخت.

پاسخ‌گویی به شبهات فکری و عقیدتی پیرامون مذهب در آن سال‌ها به تألیف کتاب‌های «مذهب در اروپا» و «مطهرات در اسلام»، «راه طی شده» و... منجر شد. در کنار پرداختن به مسائلی از این قبیل، مقابله

با دو نحله فکری و سیاسی یعنی حزب توده و اندیشه‌های ماتریالیستی و نیز فرقه بهائیت دل‌مشغولی‌های دیگر بازرگان در طول آن سال‌ها بود. وی که در اواسط این دهه به ریاست دانشکده فنی نیز برگزیده شده بود، در راستای اهداف خود با انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه پیوند خورد و به ملجاء فکری آنان تبدیل شد. به گفته عزت‌الله سبحانی: «بیشتر از همه کس مهندس بازرگان قبول زحمت می‌کرد و سخنرانی را به عهده می‌گرفت؛ بیشتر از همه نیز مطلب جدید برای ارائه داشت. صحبت معروف توشه آخرت... و همچنین بحث اسلام و کمونیسم را در آن جلسات مطرح کرد... در آن دوران منابع و مآخذی که بتواند اطلاعاتی در مورد بحث‌های فلسفی روز و مباحث علمی-مذهبی در اختیار علاقمندان به این بحث‌ها بگذارد در دسترس نبود. تنها منبع ما همین کتاب راه‌پی شده مهندس بازرگان بود.» (نیم قرن خاطره و تجربه: 88)

سخنرانی‌های بازرگان در جلسات انجمن‌های اسلامی و کانون اسلام منتشر شد.

بازرگان در دولت اول دکتر مصدق، ابتدا به معاونت وزارت فرهنگ منصوب شد، اما بیش از سه هفته در آن پست حضور نداشت. بعد از سه هفته دکتر مصدق او را به ریاست هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت منصوب کرد. بازرگان درباره این مسئولیت گفت: «برای سرم‌گشاد و فوق‌تصور و امکاناتم بود.»

(مدافعات در دادگاه غیرصالح نظامی : 125)

مدت ریاست بازرگان در هیأت خلع‌ید 9 ماه به طول انجامید و به دلیل اختلاف با برخی از اعضای دیگر هیأت خلع‌ید استعفا داد و به سرکار اصلی خود یعنی تدریس بازگشت و در همین دوران کتاب «بازی جوانان با سیاست» را نوشت. دوران فراغت بازرگان زیاد به طول نینجامید و بار دیگر از سوی رئیس وقت سازمان برنامه برای تصدی مسوولیت پروژه لوله‌کشی آب تهران که زمین‌گیر شده بود به دکتر مصدق پیشنهاد شد؛ مسوولیتی که تا وقوع کودتای 28 مرداد ادامه یافت. میراث این مدیریت تامین لوله‌کشی آب

سالم براي مردم تهران بود. به پيشنهاد مهندس بازرگان آيه «ومن الماء كل شيء حي» بر تارك سازمان آب تهران نقش بست.

ورود به عرصه سياست

وقوع كودتاي 28 مرداد تحول جدي را در زندگي بازرگان رقم زد و او را كه تا اين زمان از ورود به سياست خودداري كرده بود به عرصه سياست كشاند. خود وي در اين باره ميگويد: «ما ميديديم نهضت سركوب شده؛ آزادي از بين رفته و جاي عدالت را ظلم و ستم و فساد گرفته است. وضع مملكت مانند آتش گرفتن خانه بود كه هر كس از بزرگ و كوچك بايد هر چه در دست و هر كار دارد زمين بگذارد و به سر و صدا و چارمچويي و خاموش كردن خانه بپردازد.» (شصت سال...: 270)

بازرگان با اين نگاه دعوت آيت الله سيدرضا زنجاني براي پيوستن به نهضت مقاومت ملي را قبول كرد. (منبع پيشين: 306) در نهضت مقاومت، بازرگان به سرعت به يكي از ارکان فعال و موثر تبديل شد و به عضويت كميته مركزي نهضت درآمد و مسووليت دانشگاه نيز به او سپرده شد. پيامد فعاليت هاي وي نيز دوبار دستگيري در سال هاي 1334 و 1336 ش بود. بار اول پنج ماه و بار دوم نيز هشت ماه در زندان ماند. در زندان اول، بازرگان علاوه بر تاليف كتاب «عشق و پرستش»، كتاب «راه طي شده» را نيز تكميل كرد. همچنين بازرگان در آن مدت به يك جمع بندي بسيار مهم نيز رسيد: «تفكر و توجه به اين حقيقت كه درد ايران نه با تشكيل حزب سياسي حل مي شود نه با روي كار آمدن يك دولت ملي... آنچه لازم تر و واجب تر از همه چيز است، بعد از عشق و پرستش؛ تربيت دموكراسي و امكان مجتمع شدن و همكاري است كه ما در اثر 2500 سال زندگي غير آزاد و غير دموكراتيكي و غير اجتماعي يعني انفرادي تحت رژيم استبداد فاقد آن هستيم... بايد خود را به طور عملي براي فعاليت هاي اجتماعي تربيت كنيم.» (همان: 330)

اين جمع بندي كه بعدها در يك سخنراني به مناسبت عيد فطر سال 1335 تحت عنوان «احتياج روز»

مطرح شد، به تاسیس نهادی تحت عنوان «مکتب تربیتی اجتماعی عملی» (متاع) انجامید که به گفته عزت‌الله سبحانی هسته اصلی جمعیت‌های صنفی غیرسیاسی همچون انجمن اسلامی مهندسين، پزشکان، معلمان و... شد. (سحابی همان منبع 187)

یکی از اقدامات نهضت مقاومت انتشار نامه اعتراض علیه قرارداد کنسرسیوم با امضای بیش از هفتادتن از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی بود. متعاقب انتشار این نامه بود 12 تن از اساتید دانشگاه و از جمله بازرگان که آن را امضا کرده بودند از دانشگاه اخراج شدند. بازرگان در پاسخ به دکتر علی اکبر سیاسی، رئیس وقت دانشگاه که با همه فشارها زیر بار امضای حکم اخراج استادان نرفته بود درباره علت تهیه این نامه با وجود علم به بی‌نتیجه بودن آن گفت: «بلی خوب می‌دانستم که نتیجه عملی ندارد و جلو قرارداد کنسرسیوم را نخواهد گرفت. اما این کار را کردم فقط برای اینکه بعدها که پسر بزرگ شد، نگوید پدرم بی‌غیرت بود.» (شصت سال... ص 327)

بعد از دستگیری‌های گسترده اعضای نهضت مقاومت در تهران و مشهد در سال 1336 که در پی انتشار جزوه 26 صفحه‌ای نفت صورت گرفت، فعالیت نهضت مقاومت عملاً متوقف شد.

در سال 1339 با باز شدن نسبی فضای سیاسی، بازرگان به همراه دیگر یاران مصدق جبهه ملی دوم را تاسیس کرد و در اردیبهشت 1340 به همراه آیت‌الله طالقانی و دکتر سبحانی و چند تن دیگر از همفکرانش نهضت آزادی ایران را بنا نهاد. بازرگان در مدافعات خود در دادگاه تجدیدنظر در سال 1342 درباره دلایل تشکیل نهضت آزادی، ضرورت زمان به ایجاد جمعیتی با مرام و ایدئولوژی اسلامی را بیان می‌کند. (مدافعات: 208) اعلامیه تاسیس نهضت آزادی که با جمله معروف «ان الحیاه عقیده و جهاد» آغاز شده بود، با آیه شریفه «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» پایان پذیرفته بود. بازرگان در جریان

برگزاری سالگرد شهدای قیام 30 تیر در این بابویه به همراه دیگران بازداشت شد ولی مدت بازداشت طولانی نبود و پس از حدود یک ماه آزاد شد و فعالیت‌هایش را در نهضت آزادی و جبهه ملی از سر گرفت.

بازرگان در بهمن 1341 بار دیگر دستگیر و زندانی شد. این بار دادگاه او را به همراه آیت‌الله طالقانی به 10 سال زندان محکوم کرد. دیگر رهبران و اعضای بازداشت شده نهضت نیز هر کدام به حبس‌های متفاوت از یک تا شش سال محکوم شدند. بازرگان و آیت‌الله طالقانی در سال 1346 از زندان آزاد شدند.

از آن پس تا سال 1355 فعالیت سیاسی علنی بازرگان عملاً متوقف شد. حمایت از مبارزان و خانواده‌های آنها، تلاش برای پاسخگویی به نیازهای فکری و ایدئولوژیک آن دوره مشغولیت‌های عمده بازرگان در آن سال‌ها بود.

بازرگان از اواخر سال 1355 ضمن تجدید فعالیت نهضت آزادی ایران بار دیگر دست به کار ایجاد تشکلی جدید شد و این بار «کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر» را به همراه 28 تن از نیروهای سیاسی دیگر بنیان نهاد.

بازرگان پس از اقامت رهبر فقید انقلاب در فرانسه، سفری به پاریس کرد و پس از بازگشت رهبر انقلاب به کشور در 15 بهمن 1357 طی حکمی از سوی ایشان به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت منصوب شد.

دولت موقت

دوره 9 ماه دوران نخست‌وزیری مهندس بازرگان به لحاظ زمانی کوتاه‌ترین دوره زندگی، اما سرشار از حوادث و وقایع متعدد و گوناگون بود.

در این دوره بازرگان بر خلاف دو دوره پیش و پس از آن نه در مقام یک کنشگر سیاسی، بلکه به عنوان رئیس دولت برآمده از انقلاب در تلاش برای استقرار نظم نوینی بود که می‌کوشید خواسته‌های مردم را

تحقق بخشد. اما آنچه کار او را از همان روزهای ابتدایی شروع به کار با دشواری روبه‌رو ساخت، عبارت از این بود که هیچ کس اعم از نیروهای سیاسی و توده مردم به درستی نمی‌دانست که چه می‌خواهد و هیچ برنامه‌ای برای تحقق شعارهای انقلاب همچون استقلال، عدالت، برابری، آزادی، محو ظلم و ستم وجود نداشت.

تصور همگانی آن بود که با رفتن شاه و نخست‌وزیر و وزرایش و جایگزینی آنان با افراد درستکار همه چیز درست خواهد شد و درهای عدالت و آزادی روی ملت گشوده خواهد شد و به‌زودی ایران به بهشت تبدیل می‌شود.

در آن فضای هرج و مرج فکری و سیاسی بازرگان و دولت‌ش با اتهامات متعددی از سوی مخالفان روبه‌رو شدند. دولت او را از دولت امام زمان (عج)، به دولت سازشکاری که برای باز کردن دوباره پای آمریکایی‌ها تلاش می‌کند و شخص او را از مبارزی مسلمان، به لیبرالی که جاده صاف‌کن امپریالیسم است متهم کردند. دامنه اتهام‌زنندگان بسیار وسیع بود و از تندترین گروه‌های چپ تا راست‌ترین گروه‌های مذهبی و حتی برخی یاران قدیمی و دوستان دیرین او را در برمی‌گرفت.

این در شرایطی بود که از همان روزهای اول پس از پیروزی، نیروهای سیاسی به صف‌آرایی در مقابل دولت و نظام جدید پرداختند. تصرف پادگان مهاباد چند روز پس از 22 بهمن، شروع درگیری‌های خونین در پایان اسفند 57 در سنندج، حوادث نقده، ترکمن صحرا، خوزستان، اعتصابات کارخانه‌ها و مراکز تولیدی صحنه دیگر تقابل نیروهای سیاسی و دولت بود که پیوسته دولت بازرگان باید برای حل آنها چاره‌جویی می‌کرد.

از سوی دیگر موج حملات گروه‌های مختلف و محافل گوناگون که در مراسم و میتینگ‌ها ابراز می‌شد و یا از طریق صدها نشریه، شب‌نامه و... دائما اقدامات انجام شده را زیر سوال می‌برد و با طرح خواسته‌های

جدید، انتظارات جدید در جامعه می‌آفرید نیز بر تلاطم و سردرگمی‌های مجریان می‌افزود. یکی از هزاران خواسته‌های مطرح شده در روزهای نخست پس از پیروزی، موضوع انحلال ارتش بود که از سوی بسیاری از گروه‌های سیاسی مطرح شد. حتی رهبر یکی از آنها در این باره گفت: «بدون انحلال ارتش از انقلاب حرف نزنید.» (اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق: 57/12/6)

دیگر دشواری دولت موقت به نیروهای طرفدار انقلاب باز می‌گشت. نیروهایی که در درون نهادهای برخاسته از انقلاب قرار داشتند و هر يك مدعی اسلام و انقلاب و کشور بودند و غیر از خود، همگان را ضد انقلاب می‌دانستند. نتیجه مخالفت‌های این گروه، تداخل ارگان‌ها و افراد در امور جاری، واداشتن دولت به پراکنده‌کاری و افتادن به دام روزمرگی و باز ماندن از امور اصلی بود.

این در حالی بود که بازرگان در نطق 20 بهمن خود در دانشگاه تهران صریحا اظهار داشته بود: «انتظار اینکه مملکت يك شبه ره صدساله ببیماید، خواسته‌ها فوراً و به طور کامل و صد درصد تامین شود،... از بلاها و دردهای هر دولت ملی و اسلامی است. از حالا باید عرض کنم که از این بنده سراپا تقصیر انتظار علی بودن نداشته باشید... حتی انتظار عمل کردن مثل رهبر و مرجع عالیقدری که بنده را مامور و مفتخر به این خدمت کرده‌اند... و بولدوزروار حرکت می‌کند و صخره‌ها و ریشه‌ها و سنگ‌ها را سرجایش خرد کرده و پیش رفته و می‌رود را نداشته باشید...» (اطلاعات: 57/12/21)

او در ادامه صحبت خود ضمن اشاره به خطوط اصلی وظایف دولت موقت که در متن حکم انتصاب وی به نخست‌وزیری آمده بود، وظایف دولت را در احراز و انتقال قدرت، برگزاری رفراندوم، برگزاری انتخابات مجلس موسسان و مجلس شورای ملی و نیز احیا و اداره و اصلاح مملکت عنوان کرد. آن سخنان در دانشگاه تهران با تایید حاضران در محوطه دانشگاه تهران و اطراف آن، روبه‌رو شد. در آن روز

مردم دولت وی را دولت امام زمان خواندند و با شعار «بازرگان، بازرگان، حکومتت مبارك» بر انتخاب او مهر تایید زده بودند.

بازرگان نه در آن نطق و نه در دیگر اظهاراتش هیچگاه از اینکه قصد دارد تا کشور را زیرورو کند، سخنی به میان نیاورد. دغدغه اصلی بازرگان، به جز انجام وظایفی که در حکم انتصابش به آنها اشاره شده بود، مساله آزادی مردم بود که در طول سالیان مبارزه همواره بر آن تاکید کرده بود. او علت العلل بدبختی‌های ایران را وجود استبداد می‌دانست.

او در دفاعیات خود در داگاه سال 1341 ضمن برشمردن زیان‌های دهگانه استبداد یکی از آثار و مضرات استبداد را نقش آن در از بین بردن استقلال کشور و باز کردن پای استعمار به کشور معرفی کرد. (مدافعات: 249) بازرگان در طول دوران مبارزه هیچگاه ادعای مبارزه ضد امپریالیستی نکرده بود و باور نداشت که مسبب اصلی مشکلات کشور استعمارگران هستند. او حتی معتقد بود که آنچه در شعارهای دوران انقلاب علیه آمریکا داده می‌شد، جنبه دفاعی داشت و اعتراض به پشتیبانی آمریکا از شاه و سرسپردگی شاه به آمریکا بود. (انقلاب ایران در دو حرکت: 93) لذا هنگامی هم که به نخست وزیری رسید، هیچگاه از قطع رابطه با آمریکا صحبتی به میان نیاورد. البته این به آن معنی نبود که او آمریکا و دیگر کشورهای خارجی را دوستان انقلاب می‌دانست. بازرگان به دلیل گرایش مصدقی‌اش و نقش آمریکا و انگلیس در سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق، نمی‌توانست با آمریکا احساس نزدیکی کند؛ ولی معتقد به قطع رابطه با آمریکا نبود.

به همین جهت از درخواست مقامات سفارت آمریکا برای ملاقات روی بر نمی‌تافت، به ویژه ملاقات‌های اواخر سال 1357 که با موافقت و اطلاع اعضای شورای انقلاب صورت می‌گرفت. بعد از استقرار دولت موقت نیز حفظ رابطه میان دو کشور با رعایت مصالح ملی مدنظر بازرگان و دولت بود. کما اینکه دولت

موقت از پذیرش «والتر باتلر» به عنوان سفیر جدید آمریکا در تهران به دلیل سوابق نامطلوبش در مداخله در امور داخلی زئیر خودداری کرد. (اطلاعات - 58/3/14)

دولت موقت همچنین ضمن محکوم کردن قطعنامه ضدايراني سنای آمریکا، قانون استخدام افسران و درجه‌داران آمریکایی در ارتش ایران و قراردادهای تسلیحاتی میان ایران و آمریکا را نیز در 20 مرداد 1358 لغو کرد. اما در عین حال بازرگان در جریان سفر به الجزایر به همراه دکتر یزدی و دکتر چمران برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر دیدار و گفت‌وگو کرد. این دیدار به صورت علنی انجام شد و واکنش‌های بسیاری را در داخل کشور علیه دولت موقت و شخص مهندس بازرگان برانگیخت.

در آن دوران همه گروه‌هایی که بعداً طرفدار برقراری رابطه با دولت آمریکا شدند، آن گناه نابخشودنی مهندس بازرگان را به شدت محکوم کردند.

بازرگان نظراتش در مقوله آزادی و نقش مردم در تعیین سرنوشت خود را در کتاب‌های متعدد و به ویژه به تفصیل در کتاب «بعثت وایدئولوژی» مطرح کرده بود. وی همچنین در مدافعات خود به تشریح دلایل عدم شکل‌گیری دموکراسی در ایران می‌پردازد و به دلایل تاریخی، جغرافیایی و سیاسی اشاره می‌کند. بازرگان برای مردم نقش ویژه‌ای در حکومت قائل بود. به عقیده او در يك حکومت حقیقی و کاملاً دموکراتیک مشارکت مردم در فرایند تصمیم‌گیری از راه نظارت بر فعالیت‌های حکومت استمرار می‌یابد.

اساس استدلال بازرگان در دیدن این نقش برای مردم در جامعه بر پایه آیات قرآن استوار بود و در این خصوص به‌ویژه به آیات مربوط به شورا در سوره‌های شوری و آل عمران استناد می‌کرد. (بعثت و ایدئولوژی: 143-144) و بر همین پایه چنین نتیجه می‌گرفت که «حکومت اسلامی حکومتی کاملاً دموکراتیک و مردمی است.» (منبع پیشین: 116) بر مبنای همین دیدگاه نیز در سخنرانی خود در دانشگاه تهران که دو روز پیش از پیروزی انقلاب انجام شد «جمهوری دموکراتیک اسلامی» را مطرح کرد.

(روزنامه اطلاعات 1357/12/21) منظور وي از واژه دموکراتيك به روشني در همان سخنراني آمده بود: «جمهوري دموکراتيك واقعي و حقيقي نيز اسلامي است. وقتي هم از خلق صحبت مي‌کنم... همان طور که سراسر قرآن دلالت دارد توجه خاص و انحصاري به يك طبقه معين با شغل و درآمد و مقام خاص و وظیفه خاص نیست.

در نگاه او: «حتي در اسلام وقتي از خلق و ناس صحبت مي‌شود اصرار به پيروان مرام و مذهب خاص هم نیست...» (منبع پيشين)

دولت موقت، از همان ابتدای شروع به کار مورد حمله و انتقاد گروه‌هاي چپ اعم از مارکسيست و مذهبي با عناويني همچون ليبراليسم بورژوايي (احسان طبري-برخي مسائل حاد انقلاب ايران- ص 40) و ديکتاتوري بورژوايي و خرده بورژوايي (اعضاي سازمان مجاهدين خلق ايران) (مستقل از جنبش ملي مجاهدين) - تحليلي از سياست گام به گام- ص 2) قرار گرفت.

به عقیده حزب توده تا سال 1360 هفت توطئه براندازي براي در هم شکستن انقلاب ايران از سوي امپرياليست‌ها تدارك شده بود که دومين آن عبارت بود از: «توطئه منحرف ساختن انقلاب به کمک دولت ليبرال‌ها» (گزارش هيات سياسي به هفدهمين پلنوم (وسيع) کمیته مرکزي حزب توده ايران: 22) حزب توده جانداختن اين واژه در ادبيات سياسي ايران را افتخاري براي خود محسوب مي‌کرد و کيانوري با سرافرازي مي‌گفت: «همين واژه ليبراليسم و بورژوازي ليبرال هم که امروز ديگر به فحش تبديل شده... مثل اينکه اول بار توسط ما در فرهنگ سياسي ايران وارد شده است.» (نورالدين کيانوري - پرسش و پاسخ شماره 11-16: 1359)

اختلاف دیدگاه میان بازرگان و گروه‌هاي ديگر تنها به زمینه سياسي محدود نبود و به‌ویژه زمینه اقتصادي را نيز در برمي‌گرفت. بازرگان از همان دوران مبارزه عليه رژیم، طرفدار اقتصاد آزاد و مخالف

سوسیالیسم بود. عزت‌الله سحابی در خصوص بحث‌هایی که میان ایشان و مهندس بازرگان در زندان در دهه 40 انجام شده بود، می‌نویسد: «در زمینه بحث ایدئولوژی و به‌ویژه استراتژی اقتصادی، بحث‌ها بسیار طولانی شد ولی به نتیجه مشخصی نرسید. در آن زمان بزرگترهای ما و به ویژه مرحوم مهندس بازرگان و دکتر سحابی بر حسب سوابق، تربیت و اعتقادات و مطالعات خود به آزادی اقتصادی معتقد بودند...» (سحابی - همان: 277) با این حال دولت موقت بنا بر اقتضای جو پس از انقلاب بانک‌ها و بسیاری از کارخانجات را ملی اعلام کرد؛ اموال بخشی از وابستگان رژیم سابق مصادره و برخی از قراردادهای میان ایران و کشورهای دیگر به‌ویژه آمریکا را لغو کرد.

شعار رایج آن دوران حاکمیت دولت در تمامی عرصه‌ها اعم از اقتصاد، آموزش و بهداشت و بازرگانی بود. امری که بازرگان و نهضت آزادی با آن موافق نبودند و هر از چند گاهی با انتشار اطلاعیه‌هایی آن سیاست‌ها را نقد می‌کردند که از آن جمله می‌توان به نقد "قانون بازرگانی خارجی" و یا مخالفت با دولتی کردن آموزش و برچیدن مدارس خصوصی اشاره کرد. دولت موقت در 14 آبان 1358 پس از اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان پیرو خط امام استعفای خود را تسلیم رهبر فقید انقلاب کرد و ایشان نیز این بار برخلاف دفعات گذشته با آن موافقت کردند. و بدین‌سان چهارمین دوره حیات سیاسی بازرگان نیز پایان گرفت.

دهه پایانی عمر

بازرگان پس از استعفا از نخست وزیری، به عضویت شورای انقلاب برگزیده شد و چندی بعد نیز در انتخابات اولین دوره مجلس به نمایندگی مجلس انتخاب شد. پس از پایان دوره نمایندگی مجلس، در سال 1364 در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت نام کرد که صلاحیتش از سوی شورای نگهبان رد شد.

در همین دوران بار دیگر به شیوه سابق روی آورد و ضمن فعالیت به عنوان دبیرکل نهضت آزادی، به همراه تعدادی از همفکران و یاران خود «جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران» را بنیان نهاد. اما عمر این تشکیلات جدید نیز زیاد نبود و پس از چندی فعالیت آن ممنوع شد.

فعالیت های این دوره بازرگان نقد عملکرد و روند سیاست های کشور و نیز ادامه کارهای فکری بود. برگزاری سخنرانی در مناسبت های مذهبی به روال سابق و نیز انتشار کتاب های همچون «بازیابی ارزش ها»، «انقلاب ایران در دوحرکت»، «خدا و آخرت هدف بعثت انبیا» و... حاصل فعالیت های این دوران است.

اما سخنرانی آخر وی «خدا و آخرت هدف بعثت انبیا» حرف و سخن های بسیاری را برانگیخت و برخی آن را به توبه نامه سیاسی بازرگان از فعالیت های سیاسی تعبیر کردند. او در رد برداشت های خاص از سخنرانی خود گفت: "از موارد عدم دقت روی مطالب جزوه، یکی هم تفکیک دین از سیاست است. این طور تصور کرده اند که من گفته ام: «ادیان به مسئله اداره حکومت نظر نداشته اند». آقای منتظری در رد این مسئله این حدیث را آورده اند که: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسِ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ» و اضافه شده در حدیث که ولایت (یعنی حکومت) از همه مهمتر است، چون اگر حکومت خوب بود، بقیه درست می شود. این حدیث به جای خود محفوظ، ولی «بُنِيَ الْإِسْلَامُ» غیر از این است که خدا از بعثت انبیا چه نظری داشته است. هدف بعثت، همان دو منظور بوده؛ ولی برای تأمین آن دو منظور، باید ولایت و حکومت در دست مسلمان ها باشد.» (آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا: 227)

بازرگان در پاسخ به اشتباه برداشت برخی منتقدان آنها را به استدلال خود در دادگاه نظامی درباره تضاد استبداد و خداپرستی ارجاع می دهد و می گوید: «وقتی حکومت استبدادی است، خدا عبادت نمی شود. ولی وظیفه خودمان است که برای اینکه خدا را عبادت کنیم و مشرک نباشیم، با حکومت استبداد مبارزه کنیم؛ چون استبداد خودش شرک است. قبول اربابی یک فرد، شرک است و ما که نباید مشرک باشیم؛ پس نباید زیر بار استبداد برویم، همان طور که امام حسین (ع) نرفت... بعضی دوستان چنین تعبیر کرده اند که گفته ام: فرد و اجتماع مؤمنین نباید وارد مبارزات سیاسی برای سرنگونی استبداد شوند!» که هرگز چنین نگفته ام. منظور بنده از تفکیک دین و سیاست... [این است] که دیانت باید حاکم بر سیاست باشد، و در

يك کشور داراي دموکراسي، اگر آزادي واقعا برقرار باشد، در کشوري مثل ايران که اکثريت عظيم مردم مسلمانند، طبيعى است که ديندارها خلاف دين عمل نميکنند و خود را ملزم مي دانند که قانوني نگذرد که مخالف شرع باشد و محرمات را مجاز بشمرد. گفته بودم اصولا بايد ديانت بر سياست حاکم باشد... عملا هر جا اين دو تا در غيرشرائط دموکراسي کنار هم قرار گرفتند، کلاه سر ديانت رفته؛ امويها، عباسيها، عثمانيها و صفويه همه همين وضع را داشتند..» (منبع بالا)

بازرگان سپس بارديگر به توضيح نظريه خود پرداخته و ميگويد: « آنچه بنده تفکيک کردم اين است که نبوت و حکومت دو منشأ مختلف دارند در امر نبوت مي بينيم که خداوند کوچکترين اجازه به پيامبر نمي دهد که اطاعت از او امر ديگران بکند، يا با آنها سازش کند، (همان منبع)

مهندس مهدي بازرگان روز 29 دي ماه 1373 هنگامي که براي معالجه بيماري خود عازم خارج از کشور بود، در شهر ژنو ديده بر جهان بست. پيکر بازرگان پس از بازگشت به ميهنی که او تمام عمرش در پی اعتلاي آن بود در آرامگاه خانوادگي در شهر قم به خاک سپرده شد

